



پشتیبانی کند. وقتی یک نفر نماینده یا فرماندار می شود کنار او می ایستیم اما بعدا حمایتی نمی کنند. الان کجایند. فقط حرف می زنند.

◀ نامه را دیدید؟

مطمئنم نامه‌ی محرمانه روی پرونده‌ی شرکت شهرک‌هاست. می‌گویند کو نامه. می‌گویم مگر نامه‌ی محرمانه را به من می‌دهند که به شما بگویم.

◀ چطور شد به سمت گلیم، راه‌اندازی موزه، تاسیس آموزشگاه و... رفتید؟

(آرام و با بغض) مادرم. مادرم بافنده بود. همیشه می‌گویم مادر، روح شاد که گره دستم دادی ولی ای کاش بودی و گره برمی‌داشتی. مادرم از زنان عشایر بود. بچه بودم. فکر کنم کلاس سوم دبستان بودم. رنگ‌آمیزی می‌کرد و با دوک، نخ‌ها را تاب می‌داد. هر کاری می‌کرد به من هم یاد می‌داد. از بچگی هرچه در خانه از وسایل قدیمی مثل خورجین و دستگیره و ... بود جمع می‌کردم. سال ۱۳۶۸ کلاس دوم دبیرستان بودم. اولین کار تکی خودم

فروختنم که بتوانم هزینه‌ی کارگر را بدهم و تابلوی اینجا را نصب کنم. تا قبل از افتتاح موزه‌ی گلیم در مجاورت پارک مسافر، کسی و جایی در سیرجان شهر جهانی گلیم نبود به‌طور اصولی و علمی راجع به گذشته‌ی گلیم سیرجان به بازدیدکنندگان توضیح و اطلاعات بدهد. این که چرا گلیم شیرکی‌پیچ سیرجان ثبت شده است و حتی اسم گلیم و وجه تسمیه‌ی آن را غلط تلفظ می‌کردند. اکثر بازدیدکنندگان به همراه مسئولان به این موزه می‌آمدند.

بعد از افتتاح موزه‌ی گلیم سیرجان، تابلوی موزه‌ی زنده‌ی گلیم متعلق به بنده را در ورودی شهرک صنعتی، انتهای بلوار شهید عباسپور از سمت بلوار قائم، دور میدان امام روبروی پارک مسافر و اول این میدان را برپند و تابلوی موزه‌ی من را کردند. در حالی که طبق آدرسی که این موزه در گوگل و اپلیکیشن نشان دارد، در ایام عید نوروز بازدیدکننده داشتیم.

این موضوع را رسانه‌ای کردم. دبیرخانه‌ی گلیم یا میراث فرهنگی به بازرسی استان نامه‌ی محرمانه زده است؛ خودمان شهر جهانی گلیم هستیم و موزه داریم. چرا شهرک صنعتی موزه دارد. مدیرعامل شرکت شهرک‌ها هم می‌گوید نمی‌توانیم دیگر تو را حمایت کنیم. شهر تو را به رسمیت نمی‌شناسد و پنج سال هم حمایت کردیم. ۲۷ میلیون تومان برای مکان فعلی کرایه تعیین کردند. برای کم کردن مبلغ اجاره جهت یک کار فرهنگی چانه‌زنی می‌کردم ولی روش حمایتی رییس شهرک‌های صنعتی عوض شد و گفت به دلیل وجود شاکی خصوصی نمی‌تواند دوباره قرارداد ببندد و باید این مکان تخلیه شود.

از مدیریت شرکت شهرک‌های صنعتی، که قدردان همیشگی مدیرعامل شرکت شهرک‌ها آقای مهندس رشیدی هستیم. متولی نبود اما به من جا داد. با تلاش و همکاری وی پنج سال چراغ اولین موزه‌ی گلیم سیرجان را روشن نگه داشتیم. اکنون بعد از پنج سال قرارداد مکان این موزه ۱۸ آبان‌ماه ۱۴۰۳ تمام شده است. می‌گویند اینجا تصرف اموال دولت است. مسیر دادگاه و حکم تخلیه مقابلم قرار گرفته است. می‌گویم تخلیه می‌کنم ولی در قرارداد قبلی ذکر شد اینجا باید موزه و نمایشگاه دائمی گلیم و متناسب با شهر جهانی گلیم باشد. از کرمان برای بازدید آمدند. این مکان مخروبه بود، هزینه‌ی زیادی انجام دادم. باید در تفاهم‌نامه می‌نوشتیم هزینه‌های من را بدهند.

شروع کارم با کرونا و تعطیلی‌های مستمر همراه شد. این مکان تازه به بهره‌برداری رسیده است. اینجا شوق من بود نه شغل من. اینجا را با عشق باز کردم. نماینده‌ی شهر هم به اینجا آمد اما من امروز به هیچ‌ل (درد سر) افتادم و نیاز به حمایت دارم. مگر یک شهر نمی‌تواند دو موزه داشته باشد؟

می‌گویم یک اجاره‌ی حداقلی بگذارید. بچه‌های مدارس مختلف از این موزه بازدید می‌کنند؛ گذشته‌ی گلیم را می‌بینند و آزمایش می‌کنند. آیا نشان شهر جهانی گلیم فقط همین است که آرم بزنی روی لباس‌های ورزشگاه و روی ظرف و ظروف. گل‌گهر برای خرید گلیم واسطه دارد. ولی بافنده باید لوله بزند تا دو میلیون تومان گلیم بفروشد. گل‌گهر از چه کسی گلیم می‌خرد؟ مدیرعامل گل‌گهر مقصر نیست چون واسطه دارد. سود در جیب دلان است نه در جیب بافنده. به من بافنده که بدون واسطه کار می‌فروشم اعتماد ندارند. به همین دلیل پنج سال دیگر این شهر بافنده ندارد. تک و توکی دارند می‌بافند.

فردی که سالن زیبایی می‌زند طلبکار کسی هم نیست ولی من با موضوع شهر جهانی و گلیم، موزه زدم. زمانی در این شهر موزه‌ای برای گلیم نبود، مهمان‌های سیرجان را به اینجا می‌آوردید و به شکل عالی انگار متولی بودم با جان و دل توضیح می‌دادم و حمایت می‌کردم. حالا که موزه دارند به من می‌گویند برو کنار.

دبیرخانه‌ی گلیم و اداره‌ی میراث فرهنگی می‌گویند نامه نزدیکیم اما با همین نامه حق من دارد ضایع می‌شود. شهرک صنعتی می‌گوید من به دنبال دردرس نیستم و تخلیه کن. دانه دانه‌ی سنگ‌هایی که در اینجا می‌بیند را جمع کردم و نرفتم بخرم. اگر بروم جایی را اجاره و آباد کنم، دوباره هم می‌گویند تخلیه کن. الان باید به شرکت شهرک‌ها خسارت هم بدهم. چه کسی باید از من